

خطی بر شن

نقش منازعات بریتانیا و فرانسه در شکل‌گیری خاورمیانه

نوشته

جیمز بر

ترجمه

هما کریمی‌راد



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۷

Barr, James

بار، جیمز
 خطی بر شن: نقش منازعات بریتانیا و فرانسه در شکل گیری خاورمیانه / نوشته جیمز بار؛
 ترجمه هما کریمی راد
 تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷
 ۵۰۴ ص.:
 978-600-435-108-9

سرشناسه:
 عنوان و نام پدیدآور:
 مشخصات نشر:
 مشخصات ظاهری:
 شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت:
 عنوان اصلی: Aline in the sand: Britain, France and the struggle that shaped the Middle East, c2011

یادداشت:
 کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان «خطی در شن» با ترجمه محمدحسن شرفی توسط انتشارات قاصدک سپید در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

عنوان دیگر:
 عنوان دیگر:
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:

نقش منازعات بریتانیا و فرانسه در شکل گیری خاورمیانه
 خطی در شن
 سایکس، مارک، ۱۸۷۹-۱۹۱۹ م.
 ژرژ-پیکو، فرانسوا، ۱۸۷۰-۱۹۵۱ م.
 Georges-Picot, François
 Sykes, Mark
 خاورمیانه - تاریخ - ۱۹۱۴-۱۹۲۳ م.
 Middle East - History - 1914-1923
 انگلستان - روابط خارجی - فرانسه
 Great Britain - Foreign relations - France
 فرانسه - روابط خارجی - انگلستان
 France - Foreign relations - Great Britain
 خاورمیانه - سیاست و حکومت - ۱۹۱۴-۱۹۴۵ م.
 Middle East - Politics and government - 1914-1945
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:
 موضوع:

شناسه افزوده:
 شناسه افزوده:
 رده بندی کنگره:
 رده بندی دیویی:
 شماره کتابشناسی ملی:
 ۱۳۵ - ، مترجم
 مؤسسه اطلاعات
 ۱۳۹۷ ۶۳/اب
 ۹۵۶/۰۶
 ۵۴۹۹۰۶۸



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۵۴۹۹۵۳۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۲۵۵-۶
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، رویروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۴۰۷۳۴

خطی بر شن

ترجمه هما کریمی راد
 نوشته جیمز بار

ویراستار: افسانه قارونی
 حروف نگار: وحید ارزین
 صفحه آرا: زهره حلوایی
 طراحی جلد: رضا گنجی
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
 چاپ اول: ۱۳۹۷
 شماره گان: ۵۲۵ نسخه

قیمت: ۶۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۰۸-۹
 ISBN: 978-600-435-108-9

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.
 Printed in Iran

فهرست

۱۳	 مقدمه مترجم
۱۷	 پیش‌گفتار
بخش ۱۰ - جزیه ۱۹۱۹ - ۱۹۱۵	
۲۳	 ۱. سیاست‌های کاملاً عملگرایانه
۳۹	 ۲. موسیو بیکو
۶۰	 ۳. تی. ای. لورنس وارد می‌شود
۷۳	 ۴. عامل آلنبی
۹۲	 ۵. موصل را می‌خواهم
۱۱۱	 ۶. بن‌بست
بخش دوم - تنش‌های بین دو جنگ: ۱۹۳۹ - ۱۹۲۰	
۱۳۱	 ۷. صلیبیون
۱۴۳	 ۸. قیام در عراق
۱۵۹	 ۹. بهترین و ارزان‌ترین راه‌حل
۱۷۲	 ۱۰. قیام دروزی‌ها
۱۸۸	 ۱۱. سرکوب دروزی‌ها
۲۰۲	 ۱۲. خط لوله
۲۱۵	 ۱۳. انتقام! انتقام!

پیش گفتار

در تابستان سال ۲۰۰۷ در لندن اوراقی که دولت بریتانیا از طبقه‌بندی خارج نمود، با دیدن جمله‌ای از یک گزارش، به شدت حیرت‌زده شدم! این گزارش که توسط یکی از افسران سرویس مخفی MI۵ در آوریل سال ۱۹۴۵ نوشته شده ولی تاکنون منتشر نگردیده بود، رازی را فاش ساخت که مدت‌ها دولت را سردرگم ساخته بود. تأمین مالی تروریست‌های یهودی که خواستار پایان دادن به حاکمیت بریتانیا بر فلسطین بودند، توسط چه کسانی انجام می‌شد؟ جواب را آن‌ها یافته و پس از بازگشت از منطقه خاورمیانه در گزارشی اعلام کرد: «از طرف فرانسه این حمایت می‌شوند».

او پس از صحبت با هم‌تای خود در سرویس اطلاعاتی بریتانیا - MI۶ - اضافه کرده است: «ما از طریق منابع فوق محرمانه دریافته‌ایم که مقامات رسمی فرانسوی حاضر در منطقه شرق مدیترانه، در خفا به «هاگانا»^۱ سلاح می‌فروشد و گزارش‌هایی دریافت داشته‌ایم که نشانگر علاقه ایشان به افزایش تنش در فلسطین است». به عبارت دیگر، در حالی که انگلستان برای آزادسازی فرانسه می‌جنگید و کشته می‌داد متحد وی مخفیانه از تلاش یهودیان در کشتار بریتانیایی‌ها و مقامات رسمی در فلسطین پشتیبانی می‌کرد. این تحرک غیرعادی فرانسه، نشان‌دهنده اوج منازعه‌ای ۳۰ ساله بود که برای کنترل خاورمیانه جریان داشت.

در سال ۱۹۱۵ فرانسه و بریتانیا، هر دو عضو قوای متحدین در جنگ، سعی کردند برای تنش‌هایی که به واسطه اهداف حیاتی آنان در خاورمیانه ایجاد شده بود، راه‌حلی بیابند. لذا در توافق‌نامه سرّی سایکس - پیکو، خاورمیانه را با کشیدن خطی مورب در خاک امپراتوری عثمانی، دوپاره کردند. خطی قرمز که از سواحل دریای مدیترانه تا کوه‌های مرزی ایران امتداد داشت. سرزمین‌های واقع در شمال این خط فرضی به فرانسه و بیشتر خاک جنوب به بریتانیا تعلق یافت. دو قدرت بر سر آینده فلسطین به توافق نرسیدند و هیچ‌یک نیز تمایلی به سپردن «سرزمین مقدس» به یک مدیر بین‌المللی نداشتند.

برپایی یک امپراتوری به چنین روشی، اگر در قرن نوزدهم امری عادی محسوب می‌شد، اما در زمان امضای توافق‌نامه سایکس - پیکو روشی منفور بود. سرآمد همه مستبدان، ر.درو ویلسون - رئیس‌جمهور آمریکا - بود وی زمانی که در سال ۱۹۱۷ ایالات متحده علیه آلمان وارد جنگ شد، با مورد انتقاد قرار دادن امپریالیسم اروپا، پیشنهاد کرد تا پس از حاکم جنگ، مردم و ساکنان منطقه، خود برای آینده خویش تصمیم بگیرند.

در چنین فضایی، بریتانیا نیازمند تدوین فوری مبانی ادعای خود بر نیمی از خاورمیانه بود. لذا با توجه به اشغال و کنترل مصر، دریافت که با حمایت آشکار از خواسته صهیونیست‌ها در ایجاد دولتی یهودی در فلسطین، نه تنها امنیت کانال سوئز را تأمین می‌کند، بلکه از اتهام اشغال آن سرزمین نیز سزاوار واهد ماند. لیکن حرکتی که آن زمان برای قدرت‌نمایی در مقابل فرانسه کاملاً هوش‌آلودانه، نظر می‌رسید، نتایجی بس مخرب تا به امروز در پی داشته است.

بریتانیا از همان ابتدا می‌دانست که این اقدام، موجب ایجاد خشمی عظیم در جهان اسلام خواهد شد، اما به توانایی خود در مهار آن اطمینان داشت و بر این باور بود که اعراب مزیت اقتصادی حاصل از مهاجرت یهودیان را درک کرده و از کمک بریتانیا در تحقق آرزوهای خود عمیقاً سپاسگزار خواهند شد. هر دو این مفروضات اشتباه از آب درآمد. مهاجرت یهودیان، خشم و عصبان اعراب را برانگیخت و تلاش بریتانیا برای حفظ صلح با کاستن از سرعت مهاجرت، به برآشفته ساختن یهودیان منجر شد.

با مجوزهای اعطا شده توسط جامعه ملل، بریتانیا کنترل فلسطین، کرانه شرقی

رود اردن و عراق؛ و فرانسه کنترل سوریه و لبنان را در دست گرفتند. تصور بر این بود که هر دو قدرت، مسئول هدایت فوری این کشورهای نوپا به سوی استقلال خواهند بود، اما در عمل، بیش و پیش از همه، آنها به تحکیم سلطه خود پرداختند. اعراب با از دست رفتن دورنمایی که به آنان وعده داده شده بود، واکنش‌های خشونت‌باری نشان دادند. در این میان فرانسه و بریتانیا، هر یک سیاست دیگری را متهم به ایجاد اختلال و مشکلاتی می‌کرد که با آن مواجه شدند و حاضر نبودند برای پایان دادن به عصیان اعراب با یکدیگر همکاری کنند، چراکه از نفرت آنان از هر دو قدرت، آگاهی داشتند.

بریتانیا مدت دراز، در دهه ۱۹۲۰، تقاضاهای مکرر فرانسه را - که خواستار توقف استفاده شورشیان از پایگاه‌های ترنس اردن^۱ برای نفوذ به سوریه و جنگ با قوای فرانسه بود - بدون جواب گذاشت. در مقابل، فرانسوی‌ها نیز در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰، به درخواست بریتانیا برای جلوگیری از پناه دادن به اعراب شورشی فلسطینی در خاک سوریه و لبنان واقعی ننهادند. ادامه عدم همکاری دو قدرت، فرانسه و بریتانیا هر یک تاکتیک‌های خشونت‌باری برای سرکوب قیام‌ها در پیش گرفتند که تنها خشم اعراب را شعله‌ورتر کرد.

فرانسه مدت‌ها بر این باور بود که بریتانیا فعالانه در جنبش مقاومت اعراب علیه حکومت ایشان کمک می‌کند، و این شک طی جنگ جهانی دوم به یقین تبدیل شد. سقوط فرانسه در سال ۱۹۴۰ و متعاقب آن تصمیم دولت ویشی به عقب‌نشینی از لوانت، به سکوت و عدم دخالت آنان در مسائل یکدیگر به‌طور کامل پایان بخشید. در ژوئن ۱۹۴۱ بریتانیا و دولت آزاد فرانسه، تحت عنوان اقدام پیشگیرانه و جلوگیری از کمک دولت ویشی به آلمان برای حمله به سوئز، سوریه و لبنان را به اشغال درآوردند و وقتی یک ماه بعد دولت ویشی تسلیم شد، بریتانیا حاکمیت سوریه و لبنان را به دولت آزاد فرانسه واگذار کرد. این اقدام به‌شدت خشم اعراب را برانگیخت. از سوی دیگر بریتانیا بهترین راه برای انحراف افکار عمومی از فلسطین را، کمک به سوریه و لبنان برای دستیابی به استقلال به هزینه فرانسه دانست. با کمک‌های شایان

بریتانیایی‌ها، لبنان در سال ۱۹۴۳ به استقلال رسید. فرانسوی‌ها دریافتند که بریتانیا با اجرای همین توطئه تا سال بعد استقلال سوریه را نیز رقم خواهد زد.

فرانسه نیز زمانی که دریافت صهیونیست‌ها کاملاً از بریتانیا رویگردان شده‌اند، با اشتباهی سیری ناپذیری آنان به انتقام، سهیم شد. در سال ۱۹۳۹، بریتانیا در اقدامی برای آرام کردن اعراب، محدودیت و مقررات جدی و سختی برای مهاجرت گروه‌های انبوه یهودیان از آلمان نازی به سرزمین فلسطین ایجاد کرد. پس از آشکار شدن کشتار سیستماتیک و عمق فاجعه هولوکاست، یهودیان بسیاری بر آن شدند که بریتانیا را از منطقه بیرون برانند. همکاری یهودیان در سرکوب وحشیانه اعراب توسط بریتانیا قبل از جنگ دوم جهانی، به آنان نشان داده بود که خشونت در عمل کارساز است. این کتاب آثار کار می‌سازد فرانسوی‌ها برای بیرون راندن بریتانیا از فلسطین، در خفا به حالت از ترس، یست‌های صهیونیست پرداختند.

آنچه رد بیت کین: رانه فرانسه و بریتانیا را مهم می‌سازد، افروختن مناقشه اعراب - اسرائیل است. نه تاکنون نیز ادامه دارد. استفاده بریتانیا از صهیونیست‌ها برای عقیم گذاشتن اهداف فرانسه در - ماورمانه به ایجاد تنش‌های عمیق و همه جانبه بین اعراب و اسرائیل منجر گردید. فرانسه نیز با سازماندهی مهاجرت یهودیان در ابعادی بسیار وسیع، نقشی حیاتی در شکل‌دهی دولت اسرائیل داشت و در نهایت هم، به قیمومت بریتانیا در سال ۱۹۴۸ پایان بخشید.

کتاب سعی دارد این روند را روشن سازد.